

رسول و ائمه هدی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (135) امر و خلق - جلد 2

۱۳۵ - حضرت رسول و ائمه هدی

و نیز از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است قوله الجلیل از امم شرقیه هزار و سیصد سال در ظل شریعت محمدیه به تربیت و در قرون وسطی که اروپا در نهایت درجهء توحش بودند قوم عرب در علوم و صنایع و ریاضیات و مدنیّت و سیاست و سائر فنون بر سائر ملل عالم تفوق داشتند محرک و مربی بادیة العرب و مؤسس مدنیّت کجالات انسانیه در میان آنطوائف مختلفه یک شخص امی یعنی حضرت محمد بود .

غزوات حضرت محمد جمیع حرکت دفاعی بود... اینها دختران خویش را زنده زنده زیر خاک میکردند و میگفتند که این عمل منبعث از حمیت است و بآن افتخار مینمودند... یک شخص هزار زن می برد اکثر شان بیش از ده زن در خانه داشتند... هر قبیله که غلبه میکرد اهل و اطفال قبیلهء مغلوبه را اسیر مینمود و آنها را کنیز و غلام دانسته خرید و فروش مینمودند و چون شخصی فوت مینمود و ده زن داشت اولاد این زنان بر سر مادران یکدیگر میتاختند و چون یکی ازین اولاد عبای خویش را بر سر زن پدر خود میانداخت و فریاد مینمود که این حلال من است فوراً بعد این زن بیچاره اسیر و کنیز پسر شوهر خویش میشد و آنچه میخواست بزنی پدر خود مینمود میکشت و یا آنکه در چاهی حبس میکرد و یا آنکه هر روز ضرب و شتم و زجر میکرد تا بتدریج آزن هلاک میشد بحسب ظاهر و قانون عرب مختار بود... معیشت قبایل عرب از نهب و غارت یکدیگر بود .

... اگر ملاحظه میکرد (حضرت مسیح) که ظالم قاتل خونخوار جمعی از مظلومان را قتل و غارت و اذیت خواهد نمود و نساء و اطفال را اسیر خواهد نمود البته آئمظلومان را حمایت و ظالمان را ممانعت می فرمود . پس اعتراض بر حضرت محمد چیست ؟ این است که چرا با اصحاب و نساء و اطفال تسلیم این قبائل طاغیه نگشت و



ORIGINAL

ازین گذشته این قبائل را از خلق و خوی خونخواری خلاص کردن عین موهبت است و زجر و منع این نفوس محض عنایت است .

و در خطابه^۶ در کنیسه یهود در سانفرانسیسکو است قوله العزیز . جمیع اقوام و قبائل عرب ضد او بر خاستند عاقبت خدا او را غالب کرد زیرا حق بر باطل غالب است ملاحظه نمائید که حضرت محمد در بین اقوام وحشی عرب تولد یافت و زندگانی فرمود بظاهرا می و بی خبر بود اقوام اعراب در نهایت جهالت و همجی بقسمی که دختران خود را زنده زیر خاک می نمودند و این را نهایت نخر و حمیت و علو فطرت می شمردند و در تحت حکومت ایران و رومان در نهایت ذلت و اسارت زندگانی مینمودند در بادیه^۷ عرب پراکنده بودند و با یکدیگر حرب و قتال میکردند چون نور محمدی طالع شد ظلمت جهالت از بادیه^۸ عرب زائل گشت آن اقوام متوحشه در اندک زمانی بمنتهی درجه^۹ مدنیت رسیدند چنانکه از مدنیت ایشان در اسپانیا و بغداد اهالی اروپا استفاده کردند حال چه برهانی اعظم از این است . (۱)

و نیز در مفاوضات است قوله العزیز و در بعضی مواضع از کتب مقدسه ذکر روح میشود و مقصد شخص است مثل آنکه در مخاطبات و مکالمات مصطلح است که فلان شخص روح مجسم است رحمت و مروت مشخصه درین مقام نظر بزجاج نیست بلکه نظر بسراج است چنانکه در انجیل یوحنا در ذکر موعود بعد حضرت مسیح در فصل ۱۶ آیه ۱۲ میفرماید " و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم بشما بگویم لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید و لکن چون او یعنی روح راستی آید شما را بجمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از نفس خود تکلم ننماید بلکه بآنچه شنیده است سخن خواهد گفت " حال بدقت ملاحظه نمائید که ازین عبارت " زیرا از نفس خود تکلم ننماید بلکه بآنچه شنیده است سخن خواهد گفت " معلوم میشود که این روح راستی انسانی مجسم است که نفس دارد و گوش دارد که استماع می نماید و لسان دارد که نطق میکند و همچنین بحضرت مسیح روح الله اطلاق میشود مثل اینکه سراج گوئی و مراد سراج با زجاج است . و در اثری از خادم در جواب سؤال های حکیم حزقیل حیم قوله سؤال ثانی از آیه مبارکه فرقان بوده که میفرماید قوله تعالی شانه و تعالی سلطانه و از قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التوراة و مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین انتهى و مقصودشان از این سؤال آنکه این فقره در انجیل نبوده و نیست معذک رسول الله صلوات الله علیه در فرقان ذکر فرموده اند بلی هذا حق نعترف به ولکن حضرت نفرموده است که در انجیل نازل شده انا نشهد بانه قال قد تکلم عیسی بن مریم بما انزله الرحمن فی الفرقان و البته آنچه فرموده و در فرقان من لدی الرحمن نازل شده صدق محض بوده و خواهد بود چه که اطلاع بر علوم مستوره و احاطه بما حدث و یحدث فی الابداع غیر حق نداشته و نخواهد داشت و حق تعالی شانه باصفیاء و انبیاء خود آنچه را بخواهد وحی میفرماید و تعلیم میدهد انه هو العلیم الحکیم و این آیه مبارکه از اموراتی است که حق تعالی شانه برسول خود اخبار فرمود اینک در انجیل نیست این دلیل بر عدم تکلم حضرت مسیح بمفاد آیه مذکوره نبوده و نیست .